

فرایند جهانی شدن و چالش‌های فرهنگی و ارزش‌های خانوادگی

دکتر غلامعلی افروز^۱

چکیده

از بی‌آمدهای قهری فرایند جهانی شدن، چالش‌های فرهنگی و کم‌رنگ شدن ارزش‌های ملی و اخلاقی است. در این میان مسئله گسست نسل‌ها و تعارضات روانی فرزندان کانون خانواده را به طور قابل ملاحظه‌ای متأثر می‌نماید. بدون تردید، کارگزاران فرهنگی و آموزشی جوامع مختلف می‌بایست با تدابیر بلندمدت، زمینه‌های مصونیت فرهنگی خانواده‌ها و نوجوانان را فراهم نموده و با تقویت احساس خودارزشمندی و دلبستگی‌های ملی و تملقات خانوادگی از خلأهای عاطفی پیشگیری نمایند.

در این مکتوب سعی گردیده با نگاه تحلیلی به برخی از مهم‌ترین چالش‌های فرهنگی در فرایند جهانی شدن، روش‌های تقویت مصونیت فرهنگی خانواده‌ها مورد توجه قرار گیرد.

کلید واژه‌ها: خانواده، فرهنگ، جهانی شدن، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

فرایند جهانی شدن، بسیاری از کشورهای جهان را با چالش‌های قابل توجه روانی و فرهنگی مواجه نموده است، به گونه‌ای که گاهی می‌تواند وحدت و همبستگی ملی آنان را تهدید نماید. براساس مطالعات انجام شده در کشورهای مختلف (گیدنز^۱ ۱۹۹۹ و لیتل^۲ ۲۰۰۱) و بررسی تحلیلی وضعیت فرهنگی - اجتماعی جامعه ایران اسلامی، در این جا به برخی از چالش‌های موجود در قلمرو فرهنگ و ارزش‌ها که بدون تردید ذهن و اندیشه بسیاری از جوانان را متأثر نموده است، اشاره می‌شود. بدیهی است برای توجه خاص به این چالش‌های فرهنگی و دغدغه‌های فکری و روانی نسل امروز و اتخاذ مؤثرترین شیوه در پرداختن به این مباحث، مشاوره‌های روان‌شناختی و هدایت فکری جامعه از مسئولیت‌های خطیر کارگزاران جامعه اسلامی، به‌ویژه مسئولان فرهنگی، معلمان بصیر و مبلغان اندیشمند لازم است.

تزلزل در نظام خانواده و کم‌رنگ شدن ارزش‌های خانوادگی

به طور کلی گستره فرایند الکترونیک، فراوانی ارتباطات مجازی، وابستگی‌های فزون‌خواهانه رایانه‌ای و اینترنتی و فراگیر شدن شبکه‌های ماهواره‌ای در شهر و روستا، اقتدار اولیا و مربیان را در مقام تربیتی تضعیف نموده و در غالب موارد، دیگر کانون خانواده و محیط مدرسه از استحکام، ارزشمندی، قداست و حرمت فوق‌العاده برخوردار نیست، از همین نگاه، تربیت نسلی سالم، صالح، پویا، خلاق و عاقل و بهره‌مند از اندیشه‌های استوار دینی و برخوردار از بالاترین احساس خودارزشمندی و غنی‌ترین هویت ملی و فرهنگی برای جامعه اسلامی فردا رسالتی بسیار سخت و دشوار است. بسیاری از خانواده‌ها با تأثیرپذیری از برنامه‌های تصویری و شبکه‌های ماهواره‌ای به گونه‌ای که انتظار می‌رود از رضامندی و آرامشگری متقابل برخوردار نبوده و اقتدار عاطفی و منطقی و همدلی و همراهی لازم را در تعامل با فرزندان خود، دارا نیستند.

مطالعات نشان می‌دهد که بی‌ثباتی در خانواده - که فطری‌ترین و مقدس‌ترین نهاد بشری و حلقه اصلی جوامع و سنگر پاسداری از فرهنگ و ارزش‌هاست - از خلأ فکری و روانی افراد جامعه سرچشمه می‌گیرد و روندی رو به گسترش دارد.

1- Giddens

2- Little

روند بی‌ثباتی و تزلزل در نظام خانواده به گونه‌ای است که آن را با یک بحران جدی مواجه نموده است. بسیاری از خانواده‌ها به شیوه‌های مختلف دچار آسیب‌پذیری جدی شده‌اند.

افزایش روزافزون آمار طلاق در نقاط مختلف جهان، به ویژه در کشورهای غربی، عوامل بسیاری دارد که مهم‌ترین آنها عبارتند از: بحران‌های ناشی از طلاق، کم‌رنگ شدن ارزش‌های زوجیت‌های شرعی و ازدواج‌های قانونی و ترویج زندگی مشترک زن‌ها و مردها بدون ازدواج رسمی^۱، پیر شدن جمعیت‌ها، ترغیب غیر منطقی زنان به استقلال‌طلبی و خودمختاری و خودکفایی اقتصادی، و زایمان‌های بدون ازدواج و بالاخره شیوع خارق‌العادهٔ افسردگی و اضطراب و اعتیاد به مواد مخدر و فرآورده‌های رسانه‌های الکترونیکی و لجام‌گسیختگی‌های فرهنگی، همه و همه کانون مقدس خانواده‌ها را متزلزل نموده و بحران‌های اجتماعی را به بار آورده است. بی‌دلیل نیست که در فرهنگ و ارزش‌های اسلامی، ازدواج و کانون خانواده از بیشترین اهمیت و ارزشمندی برخوردار است و مسلمانان برای ازدواج شرعی و تشکیل خانواده اهمیت فوق‌العاده‌ای قائل‌اند و همین است که همواره در معرض تهاجم بی‌وقفهٔ فرهنگی امپریالیسم رسانه‌ای و مروجان نظام نوین جهانی قرار دارند.

شورای عالی جمعیت^۲ در سال ۲۰۰۵ گزارشی از دگرگونی و آسیب‌دیدگی خانواده‌ها را در نقاط مختلف جهان ارائه نموده است.

براساس این گزارش فراوانی طلاق به‌طور قابل ملاحظه‌ای رو به افزایش است. میزان افزایش طلاق از سال ۱۹۷۷ تا ۱۹۹۷ در غالب کشورهای غربی بیش از دو برابر شده است. البته این آمار به‌غیر از حدایی‌های غیر رسمی (ثبت‌شده) است که درصد آن فوق‌العاده بیش‌تر است.

در بسیاری از کشورهای غربی نظیر آمریکا، اسپانیا و مکزیک بیش از ۵۰ درصد از زنان ازدواج نکرده‌اند و از سوی دیگر بیش از ۵۰ درصد از کودکانی که در برخی از کشورهای آمریکایی، اروپای شمالی و آفریقایی به دنیا می‌آیند از مادران به اصطلاح مجردی هستند که هرگز شرعاً و رسماً ازدواج نکرده‌اند! در بسیاری از کشورهای غربی درصد قابل توجهی از اولین زایمان زنان قبل از اولین ازدواج آنان است! اضطراب و افسردگی، دو بیماری بزرگ قرن حاضر، دامن‌گیر درصد قابل توجهی از جوانان و بزرگسالان مغرب زمین شده، به طوری که بیش از نیمی از تخت‌های بیمارستان‌های آمریکا به بیماران روانی اختصاص یافته است.

1- Partnership

2- High council of population

آری، هجمه‌های گسترده و فزاینده طراحان نظام نوین جهان، این مهاجمان چراغ به دست فرهنگی، مدتهاست در اندیشه ترویج بی تفاوتی، تضعیف باورهای دینی، سست کردن وابستگی‌های فرهنگی و تزلزل در ارزش‌های اخلاقی قشرهای مختلف، به‌ویژه کودکان و نوجوانان، و تخریب بنیان خانواده‌ها در کشورهای مختلف است.

خانواده به مثابه تنها نهاد فطری بشر و اصلی‌ترین رکن جامعه، بیشترین حمایت و پاسداری را می‌طلبد، خانواده قوی‌ترین سنگر در برابر هجوم‌ها و آسیب‌های فرهنگی است. ایجاد مصونیت فرهنگی در کانون خانواده و تقویت استحکام نظام خانواده اصلی‌ترین وظیفه کارگزاران بصیر در هر جامعه‌ای است.

راز و رمز مصونیت فرهنگی خانواده بر خورداری اعضای خانواده از مصونیت عاطفی و اصنیت روانی است، زیرا خلأهای عاطفی و ناامنی‌های روانی مستعدترین بستر آسیب‌پذیری فرهنگی است. آسیب‌پذیری فرهنگی، سرآغاز لجام‌گسیختگی و به حراج گذاشتن اصول و ارزش‌های خانوادگی است.

سلامت، رشد و تحول و اعتلای هر جامعه‌ای در گرو وجود خانواده‌هایی مقید، متعهد، سالم، پویا و بانشاط است. محور اساسی خانواده وجود همسران همراه و همراهان همدل است. از همین‌رو پویایی، نشاط و تعالی خانواده نیز در گرو سلامت، تعالی شخصیت و آرامش زوجین است. آرامش وجود همسران نیز در سایه بهره‌مندی آنها از برترین جاذبه‌های شناختی و روانی و جنسی متقابل است. بدون تردید تبلور جاذبه‌های مطلوب و بایسته همسری در زندگی مشترک نیز مستلزم برخورداری زوجین، به‌ویژه زوج‌های جوان از آگاهی و بصیرت لازم نسبت به ویژگی‌ها و نیازهای فطری و اساسی یکدیگر و آمادگی و تلاش در حسن ارضای نیازهای عاطفی و روانی و نفسانی متقابل است. متأسفانه ریشه اصلی همسرگزیزی و همسرستیزی و جدایی و طلاق روزافزون در بین همسران در گستره جهان، بی‌تفاوتی و دافعه‌های مستمر روانی و جنسی است و اصلی‌ترین عامل سازش‌یافتگی همسران و بهره‌مندی آنها از بالاترین احساس آرامش و امنیت خاطر، وجود مستمر جاذبه‌های روانی و جنسی است. زمانی که همسران در کانون پر قدرت خانواده از بالاترین احساس آرامش برخوردار بوده و همواره غنی‌ترین عواطف و دوستی و محبت را نسبت به هم ارزانی دارند، کانون خانواده به‌سان دژ استوار در برابر تهاجم‌های فرهنگی مهاجمان فرهنگی بیشترین مصونیت را خواهد داشت.

در فرهنگ و ارزش های اسلامی «خانواده» از رفیع ترین جایگاه برخوردار است و بیشترین توجه به ازدواج مبذول گردیده است.

آن گاه که خانواده در بستر ارزش های اسلامی بنا می شود و جوانان برای دستیابی به آرامش و رستگاری ازدواج می کنند و کانون خانواده را آرامشگاه خود می یابند، از آن چنان استواری فکری و صلابت شخصیتی برخوردار می گردند که هرگز پیامدهای نه چندان خوشایند فرایند جهانی شدن آنها را متأثر نخواهد کرد.

ارائه الگوهای برتر خانواده در بستر ارزش های اسلامی و ترسیم تصویری از زیباترین، پرجاذبه ترین و گیراترین رابطه ها بین زن و شوهر به جوانان آزاداندیش در گستره گیتی می تواند مطلوب ترین پاسخ به نیاز همیشه آنها به آرامش روان و امنیت خاطر باشد.

الگوی مطلوب همسری و بستر آرام خانواده در منظر فرهنگ و ارزش های جهان شمول اسلامی می تواند حیات روانی دوباره ای به جهانیان ارزانی دارد؛ طعم آرامش روانی و احساس خوشبختی واقعی را به همه همسران بچشانند؛ بستر خودشکوفایی انسان را هموار نماید و او را از اسارت مناسبات نابرابر و حاکمیت عوامل اقتصادی و نیز از قید قدرت های الکترونیکی در فرایند جهانی سازی آزاد نماید.

از همین رو انتظار می رود در جوامع اسلامی، به ویژه ایران اسلامی، همه تلاش کارگزاران در درجه اول متوجه پاسداری از حریم پر قدرت خانواده بوده و همه برنامه های آموزشی و پرورشی، فرهنگی و اجتماعی، بهداشتی و پزشکی مبتنی بر ویژگی ها و نیازهای خانواده باشد.

قدر مسلم، هر کشوری که کارگزاران آن بیشترین تلاش را برای حُسن تأسیس و تحکیم موازین خانواده و آرامش زوج ها مبذول می دارند، شاهد جامعه ای با کم ترین آسیب ها و کزروی های فردی و گروهی خواهند بود.

بایسته و شایسته آن است که در عصر کنونی که بیش تر از هر زمان دیگر کانون مقدس خانواده هدف حملات مهاجمان فرهنگی قرار گرفته است، برنامه های جامع دانش افزایی عمومی و آموزش جوانان و داوطلبان ازدواج و زوج های جوان بیش از پیش مورد توجه کارگزاران نظام اسلامی، به ویژه کارگزاران فرهنگی قرار گرفته و در این رهگذر از توانمندی ها و قابلیت های بالفعل و بالقوه همه نهادها و سازمان های ذیربط استفاده گردد.

تحریف معنا و مفهوم «آزادی» و تلاش برای غیر متعهد نمودن جوانان به ارزش‌های اخلاق

در این قلمرو، اندیشه و مطالعه درباره تعریف صحیح و تبیین معنا، مفهوم و حریم «آزادی» و «لجام‌گسیختگی‌های فرهنگی» با عنایت به تلاش گسترده مهاجران فرهنگی برای غیر متعهد نمودن جوانان به ارزش‌های اخلاقی و تعهدات دینی امری فوق‌العاده مهم و ضروری است.

متأسفانه استفاده ابزاری و سوگیرانه از معنا و مفهوم «آزادی» توسط مهاجمان غربی، به‌ویژه برای تحقیر و تخریب تعهدات اخلاقی و قیودات شرعی و عقلانی نوجوانان و جوانان مسلمان، به‌ویژه در کشورهای اسلامی، مسئله‌ای است که سابقه نسبتاً طولانی دارد. بسیاری از مهاجمان فرهنگی با سخنرانی‌های فراوان و نوشته‌های گوناگون در نشریات مختلف و پایگاه‌های اینترنتی و بهره‌گیری از جملات و کلمات به ظاهر زیبا و دلنشین و فریبنده واژه بسیار ارزشمند و مبارک «آزادی» را می‌ستایند، اما بعضاً مصداق آزادی را در بی‌قیدی رها شدن از موازین اخلاقی و تعهدات دینی می‌جویند. به سخن دیگر، آنان نیک می‌دانند که معنا و مفهوم «آزادی» متضمن متعهد بودن به نظام اخلاقی، معیارهای ارزشی و اصول منطقی و عقلانی است. همه خردمندان جهان به‌خوبی می‌دانند که «آزادی» بدون تعهد و تقید به ارزش‌های حاکم بر جامعه و حقوق فردی و اجتماعی خود و دیگران نمی‌تواند معنا و مفهومی داشته باشد. به سخن دیگر، خردمندان جهان همه باور دارند که واژه زیبای «آزادی» با «لجام‌گسیختگی» کاملاً متفاوت است. عبور از حریم آزادی ناگزیر ورود به صحرائی بی‌انتهای لجام‌گسیختگی است و لجام‌گسیختگی هرگز به معنای آزادی نیست. البته در متون مکتوب ادبیات غرب نیز چنین آمده است. آنها کلمه «آزادی» را «Liberty» می‌دانند و شکستن حریم آزادی‌های مشروع و بی‌بند و باری را «لجام‌گسیختگی» «Libertinism» می‌نامند. اما زمانی که برخی با قصد تخریب وارد میدان فرهنگی می‌شوند، دیگر تفاوت و مرزی بین آزادی و لجام‌گسیختگی در نظر نمی‌گیرند و هر تعهد عقلانی و تقید اخلاقی و پایبندی دینی و منطقی را محرومیت از آزادی تلقی نموده و همه لجام‌گسیختگی‌های فرهنگی، انحرافات جنسی، رقاصی‌های مستانه، عربده‌ها و تهمت‌های وقیحانه، جسارت و اهانت به ارزش‌های دینی و قداست پیامبران الهی (ص) را با عینک آزادی می‌بینند!

آری. تعریف و تبیین معنا و مفهوم آزادی و تمیز آن با لجام‌گسیختگی فرهنگی امری بسیار مهم و ضروری است. باید نوجوانان و جوانان و همه اولیا و مربیان، باور و زبان مشترک و به حقی در بستر ارزش‌های الهی و منطقی دینی نسبت به مفاهیم آزادی و لجام‌گسیختگی فرهنگی داشته باشند و این

مهم از وظایف و رسالت‌های خطیر کارگزاران فرهنگی و طراحان برنامه‌های صوتی و تصویری، آموزشی و درسی تولیدکنندگان منابع و متون درسی در جوامع اسلامی است.

بدون تردید واژه «آزادی» برای همه انسان‌های عاقل و فهیم واژه‌ای پرقداست و ستودنی است. در اندیشه اسلامی، تجربه آزادی انسان را به کمال شخصیت، مقام عبودیت، توصیه و یکتایی و اخلاص می‌رساند. «احساس آزادی» و «اندیشه آزادی» برترین فضیلت‌های اخلاقی، وارستگی و شکوفایی و آرامش روانی را به ارمغان می‌آورد.

اگر متضاد کلمه سفیدی، سیاهی است به یقین متضاد واژه آزادی، اسارت و بردگی است.^۱ در این نگاه اگر «خاکستری‌ها» سیاه به چشم نیایند، هرگز در میان سپیدی‌ها جای نمی‌گیرند و در آینه سفیدی معنا نمی‌گردند. لذا «لجام گسیختگی نفسانی»، «فزون خواهی‌های شهوانی»، «نارواگویی‌های جاهلانه و خبیثانه»، «قلم‌فرسایی‌های مغرضانه و جاه‌طلبانه» و «کژروی‌های مستانه» اگر به چشم‌های ظاهربین و ذهن‌های ساده‌اندیش «اسارت نفسانی» و «بردگی روانی» تلقی نگردد، به یقین از منظر خردمندان وارسته هرگز نمی‌تواند معنایی از «آزادی» داشته باشد. به سخن دیگر، هر آن‌چه به دور از حریم ارزش‌ها، در خلاف اصول منطقی و عقلانیت خواسته و ناخواسته، مستقیم و غیر مستقیم، امروز و فردا، نشانی از خودآزاری و دیگرآزاری و حکایتی از خودمداری‌ها و فزون‌خواهی‌ها به همراه داشته باشد نمی‌تواند تفسیری از آزادی و آزادگی باشد. آری، در بستری از اندیشه‌های خردمندانه واژه پرقداست «آزادی» در همه گستره هستی یک معنا بیشتر نمی‌تواند داشته باشد. به عبارت دیگر «آزادی» دیگر شرقی و غربی، اسلامی و غیراسلامی ندارد. آزادی به معنایی که بدان اشاره شد، همه جا «آزادی» است و «لجام گسیختگی فرهنگی» «رهاشدگی نفسانی» «حریم‌شکنی غیرعقلانی» در منظر همه اهل معرفت، صاحبان بصیرت و اصحاب خرد در گستره گیتی، رفتاری نامعقول و ناصواب و آفت رشد و تعالی مطلوب شخصیت فردی و اجتماعی محسوب می‌گردد. بنابراین شایسته و بایسته آن است که در قلمرو زندگی اجتماعی، با اذعان به فلسفه هدفمند و پرمعنای خلقت و اساس بعثت انبیای الهی و اصول آموزه‌های کتب آسمانی و تالیم جهان‌شمول اسلامی و ضرورت رشد و تعالی شخصیت معناگرایی انسان‌ها در مراحل مختلف حیات فردی و اجتماعی و لازمه تمرین و تجربه عدالت اجتماعی و زندگی خردمندانه و عاقلانه، نگاهی هدفمند و بخردانه به معنا و مفهوم واقعی آزادی داشته باشیم.

تضعیف احساس خودارزشمندی و ترویج خودباختگی فرهنگی در نوجوانان و جوانان مسلمان یکی دیگر از چالش‌های فرهنگی که بیشتر کشورهای در حال توسعه با آن مواجه‌اند، تضعیف احساس خودارزشمندی، ترویج خودباختگی فرهنگی و ترغیب بی‌تفاوتی به ارزش‌های دینی و فرهنگ ملی توسط رسانه‌های ماهواره‌ای و شبکه‌های اینترنتی مغرب زمین بین جوانان است. همه تلاش بر آن است که در فرایند جهانی شدن و زدودن ارزش‌های فرهنگی، کم‌رنگ شدن دلبستگی و هویت خانوادگی، هویت و احساس خودارزشمندی ملی و دینی جوانان دچار بحران شده و بی‌اشتهایی روانی بر پیکره شخصیت آنها حاکم گردد.

بدون شک بحران هویت و تزلزل در نظام ارزشی و سستی در تعلقات اجتماعی و دلبستگی‌های خانوادگی، ثمره‌ای جز ناامنی روانی و دغدغه درونی، نگرش‌های نامعقول و رفتارهای نامتعادل و تهاجمی در پی نخواهد داشت. لذا تحقیر مستقیم و غیرمستقیم نوجوانان و جوانان هوشمند و توانای کشورمان در خانه و مدرسه و اجتماع، احساس کم‌مقداری را در آنها تقویت نموده و زمینه تضعیف احساس خودارزشمندی، ناامنی روانی و بالطبع، آسیب‌پذیری روانی و اجتماعی را بیشتر فراهم خواهد کرد.

با کمال تأسف باید اذعان نمود که بعضاً این معنا توسط برخی از عناصر خودی نیز در موقعیت‌های مختلف مطرح می‌شود. بعضی از دلباختگان به فرهنگ غرب، همه چیز را در آینه غرب می‌بینند و همه دستاوردهای آن را اولی می‌دانند. گاه ساده‌ترین سخنان و یافته‌های علمی غربیان را که چه بسا کامل‌تر از آن بیشتر توسط محققان مسلمان ارائه گردیده است، از طریق رسانه‌های ملی اعلام می‌دارند و برخی از اساتید نیز در کلاس‌های درس فقط به آن استناد می‌جویند و حتی بعضاً برخی از منبری‌ها نیز در مساجد چنین می‌کنند! همه سخن این است که جوانان جوامع اسلامی عموماً از هوشمندترین، متعهدترین و پرتلاش‌ترین جوانان جهان هستند و زمانی که ظرفیت هوشی آنها با آرمان‌های خلاقانه و تعهدات دینی عجین می‌شود می‌توانند بسیاری از ناگشوده‌ها را بگشایند و ناگفته‌ها را بگویند. همین است که در صدر لیست اندیشمندان خلاق جهان نام جوانان و محققان برتر ایرانی به چشم می‌خورد، و خلاقیت آمیزه‌ای از هوش و برترین صفات شخصیتی است.

بنابراین تدوین برنامه‌های جامع فرهنگی و آموزشی با هدف تقویت احساس خودارزشمندی، تعهدات دینی، عزت نفس، هویت ملی و فرهنگی جوانان جوامع اسلامی از رسالت‌های خطیر کارگزاران و حاکمان دولت‌های اسلامی، نویسندگان و مؤلفان منابع آموزشی و تربیتی و تولید کنندگان برنامه‌های فرهنگی و مجموعه‌های صوتی و تصویری است. این معنا شایسته است از همان دوران کودکی و به‌ویژه

در مقطع ابتدایی مورد توجه فرد و پس از آن مورد توجه معلمان بصیری قرار گیرند که شخصیت آنها
آمیزهای از هوشمندی و محبت و عطف و منطق و استواری است.

شایسته است با تدوین برنامه جامع فرهنگی و آموزشی، تأیید، تکریم، تشویق، ترغیب و پرورش
احساس مذهبی و تقویت اعتماد به نفس و افزایش احساس خودارزشمندی، جرات‌ورزی و انگیزه تلاش،
بستر خلاقیت و نوآوری را در بین جوانان و نوجوانان فراهم نماییم.

بایسته آن است که در فرایند جهانی شدن و شتاب فزاینده علوم و فنون نوین با نگاهی دوباره به
برنامه‌های آموزشی، در مدارس و دانشگاه‌ها، نوجوانان و جوانان هوشمند ایران اسلامی را بیش از پیش با
قدرت علم و دانش پژوهی مانوس نموده و آنها را در به دست گرفتن سرنخ علوم و فنون برتر، حمایت و
هدایت نماییم.

در این رهگذر لازم است با پرهیز از تعصبات ناروا، سخت‌گیری‌های بیهوده، تحمیل رشته‌های
تحصیلی قدیمی و غیرمعقول دبیرستانی،^۱ تعمیم کنکورگری‌های به اصطلاح سراسری^۲، به ظرفیت‌های
هوشی و قابلیت‌های فکری و خلاقیت‌های ذهنی جوانان بیشترین بها را داده و شخصیت آنها را در
دوره‌های مختلف رشد به روش‌های مختلف مورد تکریم قرار دهیم.

خلاصه کلام، شایسته و بایسته آن است که با تحکیم نظام خانواده و تقویت ارتباطات درون
خانوادگی و مناسبات مطلوب اجتماعی، مثبت‌اندیشی و مطلوب‌اندیشی و امیدبخشی، و افزایش احساس
خودارزشمندی و تعهدات دینی و هویت ملی و فرهنگی در بین اقشار مختلف جامعه بالأخص نوجوانان و
جوانان مطلوب‌ترین بستر شکوفایی استعدادها، امنیت و بهداشت روانی، نشاط و پویایی آنان را فراهم
نماییم.

آری، امروزه بیش از هر زمان دیگر وقت آن است که با نگاه دوباره به هدف‌ها و جهت‌های
برنامه‌های فرهنگی و آموزشی، تولید فراورده‌های هنری و تألیف منابع آموزشی و تربیتی، رویکردهای

۱- واقع این است که در دنیای امروز رشته‌های تحصیلی ریاضی - فیزیک، تجربی، علوم انسانی و ... در مقطع دبیرستان نمی‌تواند توجه
منطقی و علمی داشته باشد. زیرا این نوع گرایش‌ها مربوط به حدود ۷۰ سال پیش است که دیپلم نمایانگر دانش پایه و یا نسبتاً تخصصی
بود!

مروزه که تحصیلات لیسانس در بیشتر کشورها، دانش پایه محسوب می‌گردد، دیگر رشته‌بندی در دبیرستان چه معنایی دارد! همه
جوانان باید از دانش معینی از علوم و فنون روز در دبیرستان بهره‌مند شوند و یک دیپلم عمومی می‌تواند معقول‌تر باشد. بدیهی است
برنامه‌های دانشگاهی می‌تواند بر پایه دانش پایه نخستین (دیپلم) استوار گردد.

۲- در پیش‌دانشگاهی نیز توجه به تولید علم باید در الویت قرار گیرد و اندیشه تولید علم قربانی کنکورگری سراسری و دانش‌افزایی عمومی
و مدرک‌درازی همگانی نشود!

پرورشی و بالاخره فراهم نمودن بستر خلاقیت‌های ذهنی و شکوفایی شخصیت و احساس خودارزشمندی و بالندگی جوانان کشورمان تجدیدنظر نماییم.

توجه به برنامه‌های آموزشی - فرهنگی خانواده‌محور از مهم‌ترین رسالت‌های کارگزاران فرهنگی کشور است. همراه با تدوین و اجرای مستمر برنامه‌های هدفمند در تقویت و استحکام نظام خانواده، اعتباربخشی عملی به نقش فرهنگی و تربیتی معلمان، به ویژه معلمان ابتدایی و اندیشه دوباره در تولید برنامه‌های هدفمند و بلندمدت صوتی و تصویری، بالأخص در صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران با هدف تقویت احساس خودارزشمندی و هویت دینی و ملی جوانان از حساس‌ترین و پراهمیت‌ترین امور در شرایط حاضر است.



منابع:

الف) فارسی

- افروز، غلامعلی (۱۳۸۲)، روان شناسی خانواده. تهران: انتشارات سازمان اولیا و مربیان.
- افروز، غلامعلی (۱۳۸۴)، روش های پرورش احساس مذهبی، تهران: انتشارات سازمان اولیا و مربیان.
- بهکیش، محمدمهدی (۱۳۸۱) اقتصاد ایران در بستر جهانی شدن. تهران: نشر نی.

ب) لاتین:

- Giddens, A (1999). **The Third way**. Cambridge, Polity Press.
- Held, D (1999). **Global Transformation, Politics, Economics and Culture**. Cambridge, Polity press.
- Lambert, D (2001). **Citizenship through Secondary Geography**. Routledge Falmer, London.
- Little, A. W. (2001). **Globalization, Qualifications and Livelihoods**. Special Issue of Assessment in Education 7, 3.
- Robertson R. (1992). **Globalization: Social Theory and Global Culture**. London: Sage.
- UNESCO (2005). **Statistical Year Book**.
- United Nations (1995). **World Population Prospects**. N. Y.
- Yoshino. K (1999). **Cultural Nationalism in Contemporary Japan**. London: Rout ledge.
- Waters M. (1995). **Globalization**. London and New York: Routledge.